

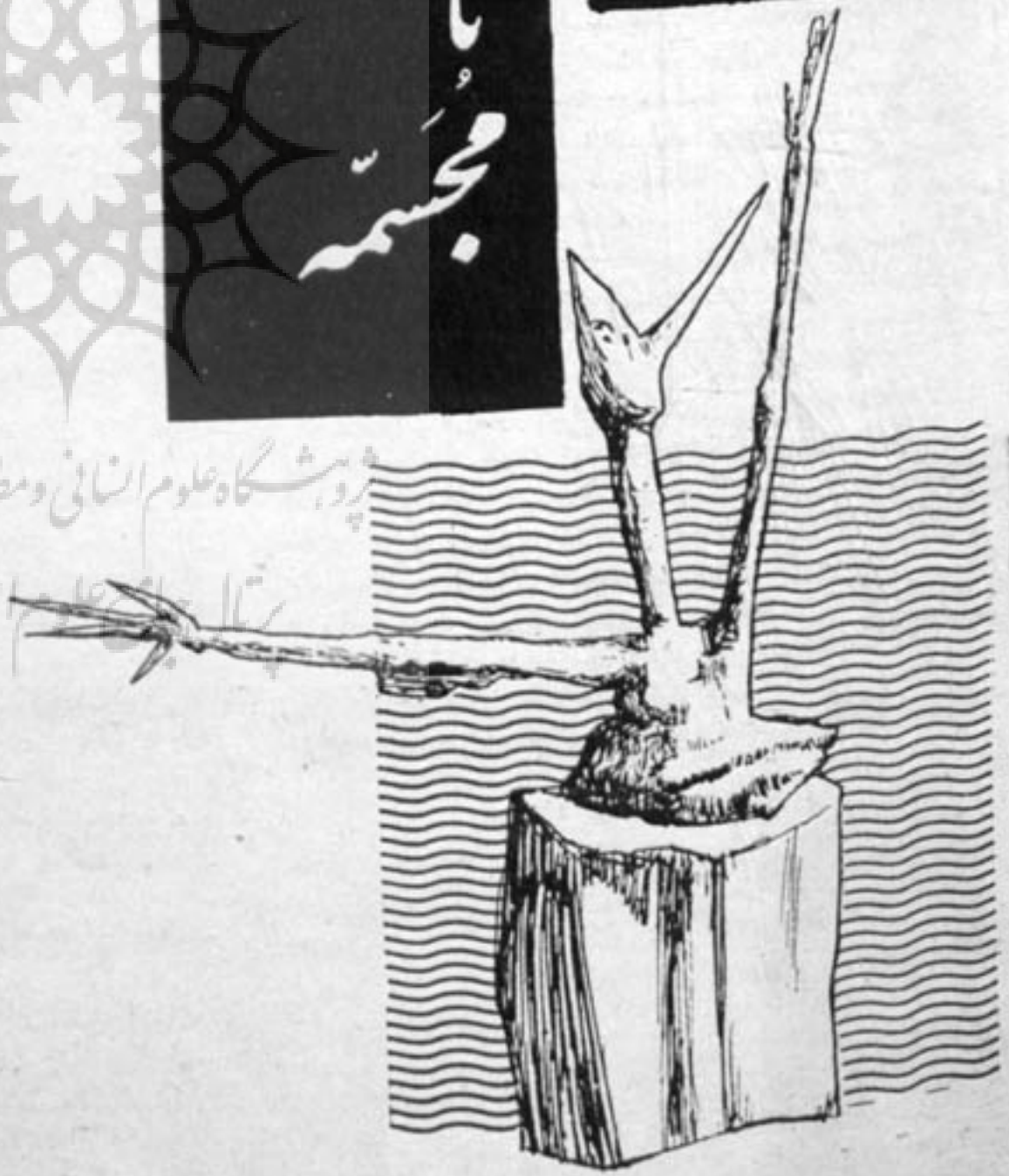


# تاریخ ماسک

بر حسب نتایجی که باستان شناسان از بررسی های خود بدست آورده اند فرهنگ بشری برای نیل بکمال راههای پرحادثه و درازی را پیموده است و این راهها همیشه از نقطه عزیمت واحدی که عبارت از حفظ انسان در مقابل مظاهر وحشی طبیعت باشد آغاز میشد. افراد قبایل بدوی برای غلبه و قلع و قمع مظاهر وحشی طبیعت به ابزار کار و اندیشه نیازمند بوده اند. این نیاز در مواردی بایجاد آثار هنری منجر میشد اما این تغییر و تبدیل بطور ناخود آگاهانه صورت میگرفت و به عبارتی بشر اولیه در کار میاززه با دشمنان خود بایجاد آثار هنری نمی اندیشید بلکه سودای حفظ جان و دفع خطرات کونا کون انگیزه اصلی او در بسیاری از کوششها بود. از جمله وسائلی که نخستین قبائل روی زمین برای دفع خطرات و حفظ حیات خویش ابداع کرده بودند «ماسک سازی» بود.

ماسکهای اولیه برای ارباب حیوانات و با اعمال بالا بردن سطح قدرت و شخصیت و مبارزه و نبرد با طبیعت ساخته میشد. زشتی و کراهت منظر مخالفه آمیز ماسکها شاید پناهگاه اطمینان بخشی بود که بشر اولیه برای رهائی از چنگال مرگ، اسرار شب، جنگل، حیوان و نیروهای مجهول در قالب آن فرامیبرد و بی بعدها همزمان با وجود آمدن مذاهب و مراسم قبیله ای استعمال ماسک جنبه نمایشی بخود گرفت و با وجود این جنبه دفاعی خود را همچنان حفظ کرد و هنگام نزول بلا و آفت وسیله دفاع شد. چندانکه افراد قبائل اولیه استعمال ماسک را برای تساراندن نیروهای شر و اهریمنی بفرزندان خود که هنوز به احوال بلوغ نرسیده بودند لازم شمردند. مطالعات باستان شناسی مدرن میگوید: افراد قبائل بومی در هر کجا که بودند همواره گمان میکردند که ماسک با آنها قدرتی مافوق بشری و تهدید آمیز میدهد و برای رهائی آنها از گرداب مصائب و بلاهای آسمانی و نیز بطلان جادوها سخت مؤثر است و گاهی هم سبب آشتی آنها با نیروهای ناشناخته اهریمنی میگردد. رقصهای دستجمعی افراد قبائل با ماسکها برای تجمع قدرت و تمرکز آنها در مصاف با نیروهای شر انجام میگرفته است و اساسا ماسک طبق تصورات رؤسای قبائل قدرت فرد را مضاعف و غلبه ناپذیر مینموده است. فرش طبلها و سروصداهای ناهنجاری که افراد قبائل برای ترساندن نیروهای شر بکار میبردند بتدریج شکل تناسب و تکامل خود را بدست آورده است و جزو رسم و عادات قبائل گردیده است. در نظر اقوام بدوی، اشباح، اوهام، واقعیات پلامنازی بوده اند که مصاف با آنها آسان میسر نمیشده است. افراد قبائل اولیه باقتضای شرایط خاصی که آنها را دربر میگرفته است ماسکهای متناسب با آن شرایط را مورد استفاده قرار میداده اند.

بهنگام نزول بارانهای سخت و سرما و گرما و نعمت و قحطی





گراز، استخوان، فلز، شیشه های براق، تزئین میشد و کابوس وار مایه اشباح و ارباب سکنه غیر بومی و (بزعم آنها) نیرو های شر می گشت.

همانطوریکه گفتیم ماسکها در اثر شرایط آب و هوایی و متناسب موقعیت سازندگان آنها تغییر میکرده است چنانکه اسکیمو های آلاسکائی بدلیل اوضاع جغرافیائی خاص خود، ماسکهای از پرفویج می ساخته اند و فقط بهنگام نزول بلا (طوفان و بوران) از آنها استفاده می کرده اند. در حالی که اهالی بومی اقیانوسیه بر گهای درختان و شاخه های نی و خوشه های گندم را برای ساختن ماسکهای متناسب با حوائج خود مورد استفاده قرار میداده اند.

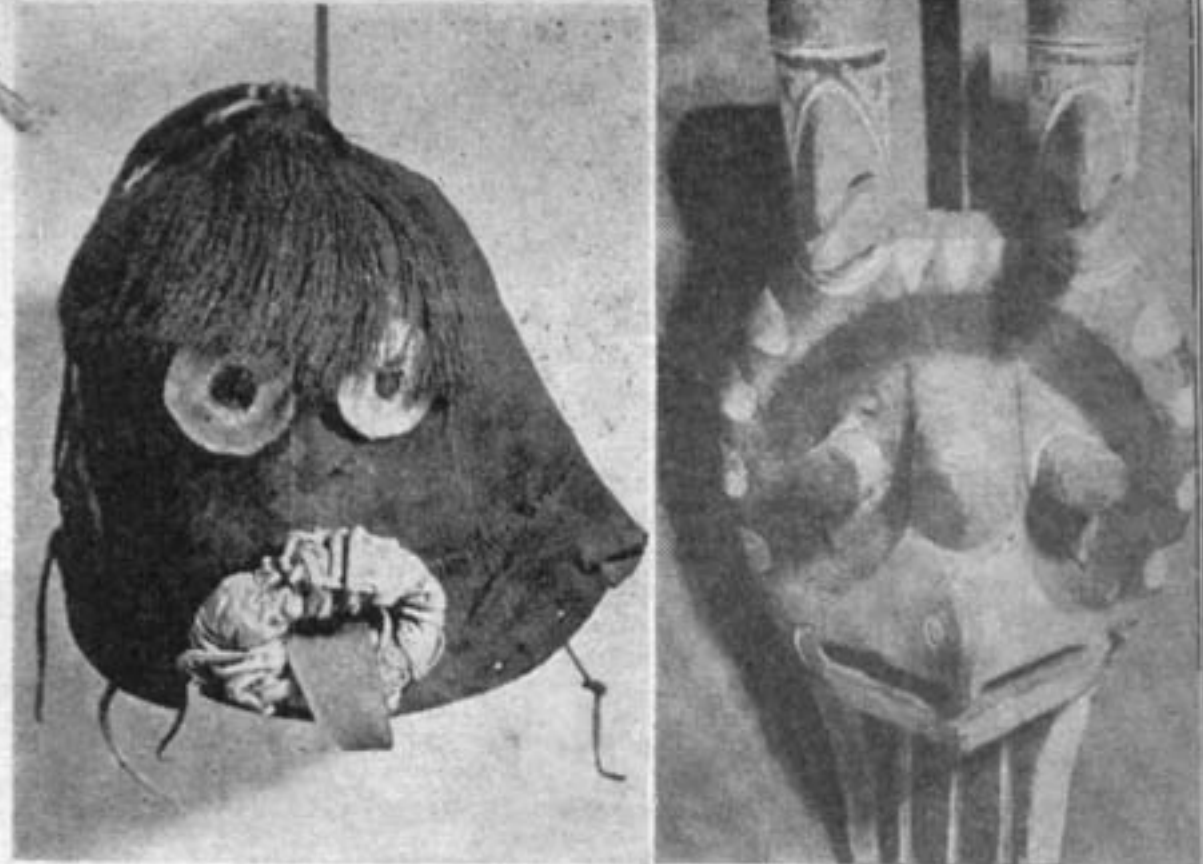
در کینه جدید استعمال ماسک فقط در هنگام اجرای مراسم مذهبی و جنگهای قبیله ای ضرورت پیدا می کرده است در هندوستان و مالزی و جاوه و پیرمانی و سیام ماسکها وحدت شکل ندارند و بعلاوه رسوخ کینه توزانه تمدن در آن نواحی بماسکها رنگ و حالتی دیگر بخشیده است. بهیچوجه شیبواتر استعمال ماسک فقط در انتهای نمایشانی خیابانی و بمنظور تفریح و سرگرمی معمول و متداول است. بنابراین ماسکها حالتی خندان، متعجب و بد شکل دارند.

باستان شناسان می گویند که زیبایی در ساختمان ماسکها اساسا ملحوظ نبوده است زیرا دلیل ایجاد آنها باصل و فلسفه زیبایی هنر فاصله بسیار داشته است اما از همان هنگامی که اعتقاد بتوحید در دل اهالی بومی دعید ایمان بمذاهب در میان آنها باب شد و برخلاف سابق ماسکی که بتجسم معنی خداوندی میپرداخت زیبایی بیشتری داشت زیرا که سمبول نیروهای خیر بود.

با اینهمه ماسکها هیچگونه شباهتی بانسان و قیافه او نداشتند زیرا همانطوریکه گفتیم فلسفه ایجاد پیکرها و اشکال و ماسکهای ابتدائی از طرف افراد قبائل بدوی چیزی دیگر بود و میخواست باور که در قبایل نیروهای ناشناخته طبیعت ضعیف و ناتوان بود، قدرت و متاعف و مقاومت ناپذیر و خوفناک بدهد. پژوهشات علمی دقیق نیز بر این امر صحت گذاشته است. همین مطالعات بوضوح مدلل میسازند که منطبق هنرمندان ای که در ساختمان ماسکها بکاررفته است از حقیقتی شکفت انگیز گفتگو می کند حقیقتی متین و درخور اعتماد. ایسی حقیقت مدعی است که تخیل انسان بدوی بسی قوی تر از بشر متمدن امروزی است ولی در مقایسه با آن اندکی ساده و بی شائبه مینماید.

زیبائی طی ادوار دراز تاریخ صیقل یافته و تکامل پذیرفته است و معینا «مبالغه» همیشه یکی از ارکان اصلی و ثابت در منطق هنر بوده است. تزئین و هماهنگی، نظام موزون اشکال، رعایت تناسب رنگهای مجرد بالاخره بایجاد پیکر تراشی منجر شده است چه در هنر ابتدائی ماسک سازی، مواد خام مجسمه سازی و مصالح کافی آن همواره مستر بوده است.

مدرنیزم در روزگار ما باصل خود و میراثی گرانمای گنشته توجیبی وفادارانه دارد و بگفته دلایز گو کن سخت توجه میکند در حیطه هنر هر کاری ممکن و پسندیده است.



ماسک سکنه بومی شمال غربی آمریکا

یکی از ماسکهای قبائل ساحل «صدف»

رقصها و آوازه ها و ماسکهای مخصوص بکارشان می آمده است. بشر اولیه نزد خود می اندیشیده که گویا این ماسکها اوراد و اجرای عدالت، تفوق در جنگهای قبیله ای و شکار و رهائی او از چنگال امراض و بدبختیها همواره مدد خواهد کرد. از نیروی درمواجبه بر هر یک از این مظاهر اهریمنی سلیح ماسک برتن میکرده است و از آن ها به مثابه دژ شکست ناپذیری مراقبت به عمل می آورده است.

ماسکهای که از اقوام و قبائل سیاه پوست آفریقائی باقیمانده است، در مقایسه با ماسکهای بومیان نواحی آسیا و اروپا سبک و قیافه مشخصی دارند. شدت متمرکز رنگهای تند و ناهماهنگ آنها، مظاهر خشم دیوانه وار این بومیان را در قبایل نیروهای شرو باز تند کی خاص توضیح میدهد. با این همه طی سالیان دراز این رنگها برافتد و بیش از پیش هنرمندان قبیله (سازندگان ماسک) بتدریج ملایمت و وضای دل انگیزی حاصل کرده است.

مثلا قبائلی که در «سواحل صدف» و «کرانه عاج» (واقع در جنوب آفریقا) میزیسته اند ماسکهای خوش منظر و قابل تحملی دارند.

گاه و بیگاه مطالعه در باره چگونگی ایجاد آنها و تحقیق در تاریخ ساختمانشان، باستان شناسان را معتقد ساخته است که این بومیان بنحوی ناخود آگاه، پیکرها و ماسکهای خود را با اصولی که در اصطلاح ما «ژئالوسم پاتتیک» نام خواهد گرفت، ساخته اند. زیرا سطح بیرونی این ماسکها صاف و موزون است و برآمدگی صورت در آن بنحو قابل ملاحظه ای مشخص شده است.

ماسکهای سکنه بومی شمال غربی آمریکا نیز بارعایت قواعدی خاص شکل و حالت بخود گرفته اند این اشکال و حالات از موازین طبیعت زنده و متراکم جنگلهای آمریکا ملهم شده است و تقریبا اصولد یناهنگ یک نوع اکسپرسیونیسم ساده را بخاطر می آورد.

حساسیت فوق العاده و ناراحتی های بیش از اندازه ای که بشر اولیه در قبایل مظاهر ناشناخته و مرموز طبیعت داشته همواره اورا بسوی کمال رهنمون میشده است.

چنانکه ماسکهای قبائل ماقبل تاریخی اغلب ساده، یکدخت ناهموار و بدون منفذ بوده اند و بسان سپری در دست جنگجویان قبیله بکار میرفتند اما بامروز زمان شکل این ماسکها تکامل یافت. در نواحی شمال آمریکا ماسکهای قبیله «ژوروبا» با پر، مو، دندان فیل و یا

